

درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها

◀ سخنرانی دکتر نجفی ابراندآبادی در همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری

درآمد

حقوقی - قضایی).

بدین ترتیب عدالت کیفری مجموعه اصول، قواعد، رویه‌های پلیسی و قضایی و نهادهایی است که به یاری یکدیگر، در جهت مبارزه با جرم اقدام می‌کنند. چرخ‌های اصلی این نظام شامل حقوق و آیین دادرسی کیفری، تشکیلات قضایی و واحدهای مختلف پلیس است.

عدالت کیفری از وظایف حاکمیتی دولت‌ها و غیرقابل تفویض به بخش خصوصی و به عبارت دیگر عدالت کیفر ذاتا دولتی است، اگرچه در سال‌های اخیر در بعضی از کشورها به دلایل مختلفی صحبت از خصوصی‌سازی عدالت کیفری مطرح است. در واقع این دولت‌ها قرائت تصدی‌گرانه از عدالت کیفری داشته‌اند اما با این حال همچنان عدالت کیفری یک امر حاکمیتی است.

۳- عدالت کیفری در نهایت متضمن دو حق است: الف - حق مردم بر امنیت فراگیر جانی، مالی، اخلاقی و...؛ ب - حق مردم بر داشتن تامین در برابر عوامل دولتی، قضایی و پلیسی (امنیت حقوقی).

طبیعتا احقاق این دو حق، یعنی برقراری تعادل بین تضمین حق مردم بر امنیت جانی و مالی از یک سو و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی در برابر عوامل حکومتی از سوی دیگر چندان ساده نیست. از این رو در قوانین اساسی کشورها، بر تضمین حق امنیت مردم در برابر مداخلات غیرقانونی و خودکامه عواملی تاکید شده است که به نام تامین امنیت، آنان را دستگیر، تعقیب یا محاکمه می‌کنند.

پس می‌توان گفت عدالت کیفری ضامن و نگهبان حقوق و آزادی‌های فردی و امنیت جانی و مالی افراد است. گفتنی است که عدالت کیفری برای به انجام رساندن وظایف خود، که همانا تحقق دو حق ذکر شده در بالا می‌باشد از یک سلسله امکانات به عنوان ورودی برخوردار است و نتیجه و خروجی آن امنیت خواهد بود.

اجزای تشکیل‌دهنده عدالت کیفری و اهمیت پژوهش در این حوزه عبارتند از؛

یکم - قانون‌گذاری کیفری:

۴- اگرچه قانون‌گذاری کیفری اساسا در قوه مقننه انجام می‌شود، اما کلید آن در قوه قضائیه زده می‌شود. مطابق با بند «۲» اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهیه لوایح متناسب، از وظایف ریاست قوه قضائیه است. لذا به حق می‌توان گفت رئیس قوه قضائیه و به طور کلی، قوه قضائیه معمار قانون‌گذاری در حوزه عدالت کیفری می‌باشد. حال اگر این لوایح با کیفیت باشند، آثار مثبت آن متوجه شهروندان خواهد شد. یعنی تهیه لوایح

۱- واژه عدالت کیفری یا عدالت جنایی، حدود یک ربع قرن پیش، از طریق منابع ترجمه‌ای و تالیفی مبتنی بر کتاب‌های خارجی، وارد واژگان علوم جنایی ما شد.^۱ این اصطلاح، ابتدا در دهه ۱۹۲۰ میلادی (حدود ۹۰ سال پیش) در منابع حقوقی و فلسفی انگلیس و توسط محققین انگلیسی به کار برده شد. عدالت کیفری با عدالت جنایی، با هم مترادف هستند و بست به اینکه بیشتر به کیفر یا به جرم - به عنوان موضوع کیفر - اهمیت داده شود، استعمال آنها متفاوت است. در این میان، کشورهای مبتنی بر سیستم رومی ژرمنی (حقوق نوشته) مثل فرانسه و آلمان به جای اصطلاح عدالت کیفری، از اصطلاح سیاست جنایی استفاده می‌کنند.

عدالت کیفری همواره با واژه سیستم همراه است و عموما گفته می‌شود (سیستم عدالت کیفری). از طرفی معادل فارسی واژه سیستم، سامانه است. از این رو در زبان فارسی گفته می‌شود: سامانه عدالت کیفری یا دستگاه عدالت کیفری.^۲

وقتی صحبت از نظام و سیستم به میان می‌آید، باید بپذیریم که عدالت کیفری از زیرمجموعه‌ها و زیرنهادهایی تشکیل شده که در کنار یکدیگر، رسالت تامین امنیت را به عهده دارند.

۲- البته این یک برداشت شکلی از مفهوم عدالت کیفری است. عدالت کیفری گذشته از سیستماتیک بودن؛ اولاً مبتنی بر یک فرایند است که بعضا از آن به عنوان پروسه قضایی کیفری نام می‌برند. منظور از پروسه قضایی کیفری یا همان فرایند کیفری، مراحل مختلفی است که از دستگیری تا اجرای مجازات و مرحله پساکیفری^۳ را در برمی‌گیرد؛ ثانياً کنش‌گرانی دارد که عبارتند از: پلیس، دادستان، بازپرس، قاضی دادگاه، زندانبان و مددکار اجتماعی که این کنش‌گران هر یک در مراحل بعد از وقوع جرم نقش مختلفی دارند؛ ثالثا عدالت کیفری در کنار کنش‌گران، دارای نهادها و فرایندهای رسیدگی، مبتنی بر یک سلسله قواعد، مقررات و اصول است. یعنی مبتنی است بر اصولی که بر مبنای آن، نهادها و کنشگران عدالت کیفری یا پروسه قضایی کیفری در چارچوب مفاهیمی همچون دادرسی عادلانه با متهم و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده، با هم کار می‌کنند.

بنابراین هنر عدالت کیفری با اجزا و ارکانی که بیان آن گذشت، در حقیقت برقراری تعادل در دو رسالت خود در قبال شهروندان است: از یک سو تضمین عادلانه حق شهروندان در برخورداری از امنیت فراگیر (جانی، مالی، اخلاقی) در برابر مجرمان و از سوی دیگر تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان در مقابل کنش‌گران و نهادهای عدالت کیفری (امنیت

سوم: فرآیند کیفری

۶- منظور از فرآیند، مراحل مختلف دستگیری، تحقیقات، تعقیب، محاکمه، اجرای مجازات و مرحله پساکیفری است. در واقع این نهادهای عدالت کیفری هستند که فرایند آن را محقق می‌سازند. از طرفی این کنشگران انسان هستند (ضابطین، قضات و...) بنابراین در نهایت انسان‌ها هستند که مجری قانونند و به آن روح و جهت می‌دهند. مثلاً استنباط و قرائت یک قاضی یا یک ضابط از قانون چیست؟ آنچه به آن رویه قضایی یا پلیسی گفته می‌شود، پاسخ گویای همین پرسش است. این انسان‌ها و در نهایت رویه‌ها با تأثیر بر فرآیند کیفری نقش خود را نشان می‌دهند و اینجاست که تأثیر نهادها و کنشگران عدالت کیفری بر آن مشخص می‌شود. با توجه به نقش رویه قضایی و پلیسی، محققین دو نوع عدالت کیفری را از هم تفکیک کرده‌اند:

۱- مدل کیفری یا مدل کنترل جرم^۴:

در این مدل، دغدغه عدالت کیفری، تعقیب و سرکوب مجرمین، خنثی کردن و ناتوان کردن مجرمین است برای تأمین امنیت، لذا تأمین امنیت از راه سختگیری، شعار اصلی این مدل از عدالت کیفری است. در این مدل گفته می‌شود که اگر برای تأمین امنیت، چند فرد بی‌گناه هم محکوم شوند اشکال ندارد. هدف اولیه نظام عدالت کیفری در مدل کنترل جرم سرکوب رفتار مجرمانه، با اولویت دادن به ارتقای کمی و کیف امنیت اشخاص و اموال آنان است. در این مدل، هدف اصلی نظام عدالت کیفری، مبارزه سریع و قاطع علیه مجرمان، حتی به بهای محکوم کردن احتمالی افراد بی‌گناه است. بدین ترتیب تأمین امنیت در گرو تقویت اختیارات ضابطان عام و خاص و در نهایت تشدید سختگیری و سرکوب کیفری است.

۲- مدل عدالت (کرامت) محور یا مدل دادرسی عادلانه^۵:

در این مدل، محور اصلی رعایت عدالت و انصاف در اجرای قانون است. در این باره گفته می‌شود اجرای عدالت آری اما نه هر قیمتی. بنابراین اگر در راستای اجرای عدالت چند متهم و مجرم هم از چنگال عدالت بگریزند، اشکالی ندارد. مدل عدالت یا مدل کرامت‌محور، قضات کیفری را داوران بی‌طرفی می‌داند که به اختلاف‌های مردم با هم، از یک سو و مردم با دولت از سوی دیگر رسیدگی می‌کنند. این مدل اولویت را به تضمین حقوق طرف‌های جرم در جریان دادرسی، یعنی برابری سلاح‌ها (دادرسی عادلانه و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده) می‌دهد و می‌پذیرد که رعایت بی‌طرفی در مراحل پلیسی و قضایی و نیز عادلانه بودن نظام کیفری ممکن است به قیمت تیره‌ی یا فرار چند مجرم از پنجه عدالت و کیفر تمام شود. به نظر می‌رسد که محصول مدل اخیر، امنیت پایدار و مشروع در پرتو پیشگیری عادلانه^۶ و نیز بازپروری عادلانه بزه‌کاران^۷ است؛ حال آن که امنیت حاصل از مدل کنترل جرم در واقع منوط به استمرار سختگیری کیفری در مفهوم موسع آن و تقویت مداوم زرادخانه کیفری و امید بستن به اقدام‌های عمدتاً پلیسی - قضایی و تدابیر پیشگیرانه وضعی برای کاهش تهدیدهای جنایی است. بدین ترتیب، آنچه امروزه بیش از پیش در سطح سیاست جنایی مشاهده می‌شود، «جدال مدل آزادی‌محور با مدل امنیت‌مدار» است.^۸

حال پرسش اینجاست که چه کنیم که این دو مدل با هم تلفیق شوند؟ در رویه‌های تقنینی و قضایی فعلی در کشورهای دنیا، برای تلفیق این دو مدل قائل به تفکیک شده‌اند: یعنی افتراقی کردن^۹ و متفاوت کردن عدالت کیفری، در مورد مجرمین خطرناک، مجرمین تروریستی، مجرمین اقتصادی جرایم جهانی شده و بدون مرز و... روش پیروی شده، روش یا مدل کنترل جرم^{۱۰} می‌باشد. یعنی سختگیری و افزایش اختیارات ضابطین، سرعت در تعیین و اجرای مجازات.

اما در خصوص سایر جرایم و مجرمین، مثل مجرمین قابل اعتماد یا بدون سابقه، سیاست کیفری مبتنی بر سیستم عدالت‌محور می‌باشد. طبیعتاً

کیفری، منجر به تصویب قوانین با کیفیت می‌شود. این همان چیزی است که امروزه به اصل کیفی بودن قوانین کیفری شهرت یافته است.

توضیح اینکه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در ادبیات جدید کیفری کم‌کم کنار گذاشته شده و اصل کیفی بودن قوانین کیفری جایگزین آن شده است. این اصل بدین معناست که چون قانون کیفری جرم‌انگار است، حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند و فرد را مجازات می‌کند، لذا باید قانون کیفری کیفی باشد. از مصادیق این کیفیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- صریح و منجز بودن قوانین کیفری و عدم وجود ابهام در آنها.

۲- درج آثاری که قانون کیفری برای فرد به دنبال دارد

بنابر اصل کیفی بودن قوانین کیفری، مجازات‌های تبعی به شکلی که قبلاً در قوانین وجود داشت، منتفی است. در واقع، بنابراین اصل، افراد باید بدانند در صورت ارتکاب جرم معین، چه سرنوشت کیفری در انتظار آنهاست.

۳- در دسترس بودن قانون: این دسترسی هم دسترسی فیزیکی را در بر می‌گیرد، هم درک قانون را شامل می‌شود. بدین معنا که درک قوانین کیفری برای مردم سهل و آسان باشد.

۴- قانون‌گذاری بر اساس میزان امکانات عدالت کیفری: به نوان مثال در لایحه قانون مجازات اسلامی جدید، حبس خانگی پیش‌بینی شده است که از نقاط عطف این لایحه محسوب می‌شود؛ اما آیا قوه قضائیه به عنوان تهیه‌کننده این لایحه بررسی کرده کسانی که ممکن است به حبس خانگی محکوم شوند دارای مسکن می‌باشند یا خیر؟ یا مثلاً آیا دادگاه‌ها و ضابطین ما توانایی رسیدگی به جرایم جدیدالتاسیس را دارند؟ به عبارت دیگر آیا امکانات قضایی ما ایجاب می‌کند که جرایم ایجاد شود یا مجازات جدیدی پیش‌بینی شود؟

۵- تعیین تکلیف برای قوانین آزمایشی: سوال اساسی در این بخش این است که تکلیف سازمان مخاطب قانون بعد از انقضاء مدت آزمایشی قانون چیست؟ مثلاً قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای، بخش عمده‌ای از قانون مجازات اسلامی فعلی، قانون جدید مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری آزمایشی هستند. آیا بهتر نیست بعد از انقضاء این مدت، کارنامه اجرای آزمایشی آن را بررسی و سپس آن را به مجلس قانون‌گذاری ارائه کرد تا بر اساس این کارنامه و ارزیابی، متن جدیدی به عنوان قانون تهیه شود یا قانون اصلاح یا ابقاء شود؟

متأسفانه در کشور ما روال معمول در مورد قوانین آزمایشی، عدم تعیین تکلیف آنها پس از سپری شدن مدت اجرای آزمایشی است. در تمامی موارد پنج‌گانه بالا که به عنوان مصداق کیفیت قانون ذکر شد، پژوهش نقش بسزایی در حل مشکلات موجود دارد.

دوم: کنشگران و نهادهای عدالت کیفری:

۵- همان‌طور که در آغاز بحث گفته شد، عدالت کیفری از یک‌سری زیرنهادهایی تشکیل یافته که تعامل و کار هماهنگ آنها با یکدیگر، منجر به تحقق اهداف دستگاه عدالت کیفری یعنی، برآورده شدن حق امنیت جانی و مالی شهروندان و حق تأمین در برابر عوامل حکومتی (امنیت حقوقی) برای شهروندان می‌شود. بی‌تردید کیفیت عدالت کیفری مشتمل بر کیفیت تعقیب، تحقیقات و محاکمه، منوط است به کیفیت نهادها و کنشگرانی که در خدمت عدالت کیفری هستند. این نهادها در کشور ما عبارتند از: ضابطین، دادرسان، دادگاه‌ها، نهادهای اجراکننده مجازات مثل زندان‌ها و نهادهای مرحله پساکیفری، که مرحله پس از مجازات را مدیریت می‌کنند. نوع و کیفیت تعامل میان این نهادها و نیز کنشگران عدالت کیفری (پلیس، دادستان، بازپرس، قاضی دادگاه و...) بر کیفیت کار و عملکرد نظام عدالت کیفری در تأمین امنیت جانی - مالی و امنیت حقوقی - قضایی افراد و جامعه تأثیر می‌گذارد.

۱۳۹۱.

۳- در این مورد برای نمونه ر.ک واقفی، مریم، مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی مرحله پساکیفری در فرآیند کیفری، پایان‌نامه کارشناسی رشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، اسفند ۱۳۹۰.

۴- model control Crime

۵- model process Due

۶- به عنوان نمونه ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.

۷- به عنوان نمونه ر.ک ابراهیمی، شهرام، بازپروری عادلانه، آموزه‌های حقوق کیفری، زیر چاپ، سال ۱۳۹۱.

۸- به عنوان نمونه ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره امنیت‌شناسی، (دیباچه در): رضوانی، سودابه، سیاست انسان‌مدار ریسک جرم، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.

۹- به عنوان نمونه، در حوزه بزهکاری اقتصادی ر.ک: مهدوی‌پور، اعظم، افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو بزهکاری اقتصادی، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۰، یا در حوزه آیین دادرسی کیفری، ر.ک: گشن، رمون، ملاحظه‌هایی

درباره هدف آیین دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷ - ۵۶، سال ۱۳۸۵، ص ۳۴۵ - ص ۳۴۸؛ یا در حوزه حقوق محیط زیست، ر.ک: عبداللهی، محسن، حقوق یفی محیط زیست، انتشارات روزنامه رسمی ۱۳۸۸؛ در حوزه حقوق پزشکی، ر.ک: عباسی، محمود، حقوق جزای پزشکی، انتشارات حقوقی، چاپ دوم، ۱۳۸۹؛ در حوزه حقوق سایبری، ر.ک: عالی‌پور، حسن، حقوق کیفری فن‌آوری اطلاعات، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۰؛ در حوزه حقوق اطفال ر.ک: عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

۱۰- به عنوان نمونه ر.ک: رضوانی، سودابه، سیاست جنایی ریسک‌مدار در پرتو آموزه‌های حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۰

جوانمرد، بهروز؛ تسامح صفر؛ سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرایم خرد، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸

پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک‌مدار، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو؛ درآمدی بر سیات جنایی مدیریتی خطرمدار؛ تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸

غلامی، حسین، سیاست کیفری سلب توان بزهکاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰، سال ۱۳۸۸

غلامی، حسین، سیاست کیفری سختگیرانه، فصلنامه دانش انتظامی، اره ۲۸، سل ۱۳۸۴

کاشفی اسماعیل‌زاده، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶ - ۱۵، سال ۱۳۸۴

جوانمرد، بهروز، نظریه‌های کیفری و رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جرایم سبک با تاکید بر نظریه‌های تسامح صفر و پنجره‌های شکسته، فصلنامه امیت وزارت کشور، سال پنجم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۶.

جوانمرد، بهروز و آقایی‌نیا، حسین، سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرایم خرد در پرتو راهبرد تسامح صفر با تاکید بر حقوق کیفری ایران و آمریکا، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

۱۱- به عنوان نمونه ر.ک: رحیمی‌نژاد، اسماعیل، جرم‌شناسی، انتشارات فروزش، چاپ اول، تبریز، سال ۱۳۸۸، رحمدل، منصور، آمار جنایی و کارکردهای آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹ - ۴۸، سال ۱۳۸۳

دستیابی به توان، مهارت و دانش تمیز بین این دو مدل و در پیش گرفتن رویکرد افتراقی در عدالت کیفری در قبال این دو دسته از جرایم، حاصل پژوهش و مطالعه می‌باشد. به همین جهت است که در بسیاری کشورهای دنیا در معیت دستگاه قضایی یک نهاد و سازمان پژوهشی وجود دارد که جزء ساختار و چارچوب آن دستگاه می‌باشد.

در ایران نیز جا دارد در همین راستا، مرکز پژوهش‌های جامعه‌شناختی عدالت کیفری تاسیس شود.

نتیجه‌گیری:

۷- مطالعه و پژوهش در سیستم عدالت کیفری مستلزم یک‌سری لوازم می‌باشد. اهم این لوازم عبارتند از:

۱- آمار جنایی: همان‌طور که می‌دانیم، آمار جنایی^{۱۱} معرف چهار گونه بزهکاری و اطلاعات است: بزهکاری ظاهری پلیسی (آمار ضابطان)، بزهکاری ظاهری قضایی (آمار دادرسی)، بزهکاری قضایی - قانونی (آمار دادگاه‌ها) و آمار زندان‌ها، یعنی تعداد زندانیان و مضمولان تعلیق، آزادی مشروط، مرخصی و به زودی آمار محکومان حبس خانگی و محکومان انجام خدمات عمومی.

آمار جرایم و مجرمان در واقع مبنا و مصالح اولیه ساختمان هر پژوهشی در حوزه علوم جنایی است. انتشار دقیق و گشودن دفترهای ثبت آمار جرایم، به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا نوسانات بزهکاری را از نظر کمی برآورد نموده و پس از آن از طریق مصاحبه با مجرمین و بزه‌دیدگان از یک‌سو و استخراج داده‌ها و اطلاعات موجود در پرونده‌های کیفری از سوی دیگر، پژوهش‌های خود در حوزه مطالعات کمی و کیفی جرم را کامل نمایند. لذا خوب است در حوزه عدالت کیفری با توجه به آمار جنایی سیاست‌گذاری شود. بدین ترتیب، اولین کاری که در حوزه پژوهش در عدالت کیفری باید انجام داد، نشر آمار جنایی و بیرون آوردن آن از حالت طبقه‌بندی و قرار دادن آن در اختیار محققین است.

۲- بایگانی پرونده‌ها: یکی از لوازم تحقیق در حوزه عدالت کیفری گشودن بایگانی پرونده‌ها بر روی پژوهشگران این حوزه است تا بتوانند از این طریق حیات قضایی قوانین و مقررات را بررسی و کیفیت آراء و تصمیمات عدالت کیفری را جست‌وجو کنند. لذا همکاری دستگاه قضایی با پژوهشگران، یکی از شروط مهم پژوهش در این حوزه است. مثلاً اینکه برداشت قضات از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در باب تخفیف مجازات (گفتار و رفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه یا انگیزه شرافتمندانه) چیست؟ اگر این قضیه مورد مطالعه قرار گیرد، قطعاً در بهبود این نهاد قانونی و موارد دیگر موثر خواهد بود. زیرا با گذشت زمان معیارها در جامعه عوض می‌شود و دیگر بر مبنای ارزش‌ها و عرف سال‌های گذشته نمی‌توان از قانون استنباط داشت.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در این مورد به عنوان نمونه ر.ک. آنسل، مارک دفاع اجتماعی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، ویراست نخست، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۶ و ویراست چهارم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، بهار ۱۳۹۱، صفحه ۳۴، پیکا، جرج، جرم‌شناسی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۰، چاپ دوم، انتشارات میزان، زمستان ۱۳۸۹، صفحه ۹۴.

۲- در این مورد به عنوان نمونه ر.ک. سیدزاده ثانی، سیدمهدی، بازتاب عدالت کیفری در رسانه‌های گروهی: ضوابط و آثار، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۰؛ زارع مهرجردی، علی، خصوصی‌سازی عدالت کیفری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تابستان